

دو فصلنامه علمی تخصصی

مطالعات تطبیق فقه

زن و خانواده

سال دوم، شماره سوم

پاییز و زمستان ۱۴۰۱

## ارزیابی مستندات غسل نفاس در فقه امامیه و مذاهب اربعه

الهه نوبخت<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از مسائل مهم مورد ابتلا در مباحث طهارت، غسل است که صحت یا عدم صحت انجام دادن غسل، در سرانجام صحیح یا باطل بودن اعمال عبادی نقشی دارد. در میان غسل‌ها، غسل نفاس ویژه بانوان است که احکام و موضوعات آن، از مباحث مهم فقهی به شمار می‌رود که در احکام آن، میان فقه‌های امامیه و مذاهب اربعه، اختلافاتی وجود دارد. از این رو، در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی، مبانی فقهی مذاهب خمس در خصوص غسل نفاس بررسی شده است. طبق یافته‌های پژوهش، در ویژگی‌های خون نفاس و مبدأ آن، ظاهراً بین مذاهب خمس اختلاف نظر وجود دارد. امامیه، اولین جزء از طفل در وقت وضع حمل یا بعد از آن را خون نفاس می‌داند، اما بعضی از مذاهب اهل سنت، نفاس را خون خارج شده پس از ولادت فرزند می‌دانند. طبق مذاهب خمس، خون نفاس، حداقلی ندارد، اما در حداکثر نفاس، طبق دیدگاه امامیه ۱۰ روز، حنبله و حنفیه ۴۰ روز و شافعیه و مالکیه ۶۰ روز را قبول دارند. از نظر تمام مذاهب به جز مذهب مالکیه، خونی که زن قبل از ولادت فرزند می‌بیند نفاس نیست. همچنین اگر زن هنگام زایمان خونی نبیند، امامیه و حنبله معتقدند در این حال غسل واجب نیست؛ اما شافعیه، حنفیه و مالکیه، قائل به وجوب غسل هستند. **واژگان کلیدی:** غسل نفاس، طهارت بانوان، خون خارج شده پس از ولادت، مبدأ شروع نفاس.

۱. سطح چهار حوزه علمیه گرایش فقه خانواده، مدرس حوزه، ایران، سمنان، ایران؛ pnwobakht143@yahoo.com

## مقدمه

زن در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و خداوند با توجه به شرایط فیزیکی زن، احکام و دستورات عبادی خاصی را برای زن در نظر گرفته است. از اعمال ویژه‌ای که زن برای اعمال عبادی خویش باید انجام دهد غسل است. غسل یک عمل عبادی و فراگیر است که هیچ مکلفی از انجام آن بی‌نیاز نیست؛ بلکه می‌توان شیوع این مسئله را پس از نماز، در مرتبه دومین واجب عبادی دانست و عمل به آن، مقدمه صحت بسیاری از اعمال عبادی به شمار می‌آید که در آیات و روایات به آن اشاره شده است.

از میان غسل‌های ویژه بانوان می‌توان به غسل نفاس اشاره نمود که دارای شرایط و کیفیت خاصی است که در اسلام به آن پرداخته شده است. احکام غسل نفاس، از مباحث مهم و پیچیده فقهی به شمار می‌رود و در آن، اختلاف نظرهای زیادی در مذاهب اسلامی وجود دارد. همچنین کمتر مقاله‌ای، جامع دیدگاه‌های نفاس در مذاهب خمسّه نگاشته شده است. در این میان و به عنوان مثال، احمد عابدینی در مقاله‌ای فقط مبحث تعداد روزهای نفاس، آن هم از دیدگاه امامیه را مطرح نموده و حامد شیرخدا نیز در مقاله‌ای شرایط تحقق و مصادیق خون نفاس از منظر خاصه و عامه را در نشریه ششمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات میان‌رشته‌ای علوم بررسی کرده است.

از این رو ضروری به نظر رسید تا مباحث غسل نفاس، مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا اختلاف‌ها و اشتراک‌های آن مشخص شود. بر این اساس، مقاله حاضر در نظر دارد با بررسی مبانی و دلایل مطرح شده از طرف هریک از مذاهب خمسّه، با روش تحقیق توصیفی به این سؤال‌ها پاسخ دهد که چه اختلاف و اشتراکی بین ویژگی‌های خون نفاس وجود دارد؟ همچنین در حداقل و حداکثر خون نفاس، چه اختلاف و اشتراکی بین مذاهب وجود دارد؟ و در نهایت، مبدأ شروع نفاس و زمان قطع شدن خون نفاس، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

## ۱. مفهوم‌شناسی غسل نفاس

معنای لغوی غسل به فتح اول بر وزن فلس، مصدر به معنای شستن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۰۷) و غسل به ضم اول، اسم مصدر غسل و به معنای سیلان آب بر روی مطلق شی است. غسل در لغت به معنای تطهیر و تنظیف هر چیز از چرک و آلودگی و کثیفی به وسیله آب است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۲۲۳). معنای اصطلاحی آن عبارت است از اینکه فقها به جاری کردن آب بر تمام بدن با نیت خاص را غسل می‌گویند (عبد‌المنعم، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۴). پس در واقع، غسل به یک سری افعال خاص عبادی گفته می‌شود که محتاج نیت و قصد قربت بوده و اختراع شارع مقدس است. غسل عبادتی است توقیفی که بیان اجزا و شرایط و موانع آن به عهده شارع است و ماهیت آن به دو صورت تحقق می‌یابد (مشکینی اردبیلی، ۱۳۷۷، ص ۳۸۷).

در معنای لغوی، خونی که زن از لحظه آغاز تولد فرزند می‌بیند، خون نفاس (خُرس) (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۴۴۵) نام دارد و در معنای اصطلاحی، نفاس خونی است که هنگام زایمان، از زن و با خروج اولین جزء بچه از رحم مادر، از مجرای تناسلی زن خارج می‌شود (بزدی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۶۳۹-۶۴۰). زن در زمانی که خون نفاس می‌بیند، نفَساء خوانده می‌شود. اقلّش حدّی ندارد و اکثرش، اکثر حیض است (فیض کاشانی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۲۳).

## ۲. نفاس از دیدگاه فقهای شیعه

### ۲-۱. ویژگی‌های خون نفاس

نفاس خونی است که مقارن ظهور اولین جزء از طفل در وقت وضع حمل یا بعد از آن پیش از انقضاء ده روز از حین ولادت می‌آید (حکیم، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۴۳۶). به زنی که خون نفاس می‌بیند «نَفَساء» گفته می‌شود و احکام وی مانند احکام حائض است؛ آنچه بر حائض واجب، حرام، مستحب یا مکروه است، بر نفَساء هم همین طور است (توضیح المسائل، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۳۰۰). در دیدگاه بیشتر فقیهان، لازم نیست بچه‌ای که به

دنیا می آید کامل باشد و خونی که پس از سقط جنین نیز دیده می شود، می تواند خون نفاس باشد (همان، م ۵۱۰)؛ خواه طفل تام الخلقه باشد یا ناقص الخلقه. حتی سقط که روح در او دمیده نشده، بلکه اگرچه مضغه یا علقه باشد، خون نفاس به حساب می آید به شرط اینکه معلوم شود مبدأ نشو آدمی است؛ یعنی اگر سقط نمی شد، طفل از آن به هم می رسید و اگر چهار قابله شهادت بدهند که مبدأ نشو آدمی است کافی است و اگر شک شود در ولادت یا در مبدأ آدمی بودن، پس محکوم است به اینکه نفاس نیست و فحوص هم لازم نیست (حکیم، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۴۳۶). طبق دیدگاه بیشتر مراجع، تفاوتی بین حکم نفاس در زایمان طبیعی و سزارین وجود ندارد و خونی که از مجرای طبیعی خارج شده و خون زخم و جراحات نباشد، حکم خون نفاس را خواهد داشت (مکارم شیرازی، ۱۴۱۳).

در خصوص خون نفاس و ظهور اولین جزء بچه، به روایات و اجماع استناد شده است که در ادامه به آن پرداخته می شود:

صحیححه زریق از امام صادق علیه السلام: «زن حامله ای خونی ببیند. امام فرمودند: نماز بخواند تا زمانی که سر بچه خارج شد و لذا نماز بر او واجب نیست و... تا اینکه گفت: اگر خونریزی داشته باشد، قبل از آنکه بچه پیدا شود، باید نمازش را بخواند و این خون نفاس نیست و خون نفاس که باید نماز نخواند آن وقتی است که بچه پیدا شود» (حر عاملی، ۱۳۸۳، باب ۳۰ من أبواب الحيض، ح ۱۷). از این رو اگر آلودگی داشته باشد قبل از زاییدن ولو درد زایمان داشته باشد اما تا بچه پیدا نشود این خون، خون نفاس نیست. همچنین روایت موثقه سکونی از امام صادق علیه السلام از پدرشان که گفت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند حیض را با حاملگی ایجاد نمی کند». یعنی اگر در حین بارداری خون ببیند (استحاضه است)، باید نمازش را بخواند، مگر اینکه سر بچه پیدا شود در آن وقت اگر خون ببیند خون نفاس است (همان، ح ۱۲). حتی اگر فرض کنیم که این بچه به زودی به دنیا نمی آید، زن اگر خون نمی بیند باید نمازش را بخواند. در اینکه با اولین جزء بچه،

خون نفاس است، به جماعتی از مشهور نسبت داده شده است و گروهی ادعای اجماع کرده‌اند (حکیم، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۴۳۰).

## ۲-۲. سقط جنین

در خصوص اینکه بچه کامل نباشد، صاحب جواهر (نجفی جواهری، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۳۷۱) و تذکره و شرح جعفریه به آن ادعای اجماع کرده‌اند (حکیم، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۴۳۶) که اگر این ولد ناقص الخلقه باشد، زن اگر خون ببیند خون نفاس است. همچنین اگر روح در آن دمیده نشده باشد، اما آدمک باشد، آن هم صدق ولد می‌کند و خونی که می‌بیند خون نفاس است. اما اگر علقه یا مضغه باشد، باز هم خون نفاس است یا خیر، صاحب جواهر ادعای اجماع کرده است که خون نفاس است، مگر محقق ثانی در جامع المقاصد که اگر بعد از علقه و مضغه خون دید باید بگوید خون استحاضه است و نمازش را بخواند و همچنین مقدس اردبیلی فرموده است که دم الولاده بر وضع علقه و مضغه صدق نمی‌کند. ایشان می‌گویند: «موضوع روایات نفاس است. این موضوع یا بر این مورد قطعاً صدق نمی‌کند یا لااقل شک داریم که صدق می‌کند یا نمی‌کند، تا شک کردیم تمسک به روایات تمسک به عام در شبهه مصداقیه می‌شود». اما در خصوص نطفه، کسی متعرض این مسئله نشده است مگر مرحوم شهید، در مسالک الافهام احتمال داده مثل علقه و مضغه باشد (همان).

## ۲-۳. ندیدن خون در ولادت

اگر بعد از ولادت فرزند، زن خونی نبیند، پس اصلاً خون نفاس ندارد و در این خصوص، صاحب مستمسک قائل به اجماع شده است (همان، ص ۴۳۷).

## ۲-۴. حداقل نفاس

خون نفاس، حداقلی ندارد؛ بلکه ممکن است حتی یک لحظه در بین ده روز خون ببیند و همان نفاس است. در این خصوص استناد شده است به روایت لیث مرادی

از امام صادق علیه السلام که گفت: «سؤال کردم از نفساء، حد نفاس چقدر است تا نماز بر او واجب شود و چگونه عمل کند؟ گفت: برای آن حدی نیست» (حر عاملی، ۱۳۸۳، باب ۲ من أبواب النفاس، ح ۱).

**تقریب استدلال:** نسبت به حد کثرت روایات است که ده روز است یا هجده روز. از سوی دیگر، این روایت مطلقاً می‌گوید که نفاس حد ندارد. به قرینه روایات کثرت، روایت محل بحث، منحصر در اقل می‌شود و از دلالت آن نسبت به کثرت، رفع ید می‌شود. اما شیخ انصاری به این روایت اشکال کرده و فرموده است: «سؤال در این روایت، از حد اکثر است به قرینه «حتی یجب علیها الصلاه» و حمل آن بر حد اقل، خلاف سؤال سائل و مورد روایت است». آیت الله خویی کلام شیخ انصاری را پذیرفته و بیان داشته است این روایت، خلاف روایاتی است که می‌گوید کثرت حد دارد. از این رو، یا باید روایت را طرح کرد یا به صورت دیگری معنا شود تا با روایات کثرت منافاتی نداشته باشد؛ به این صورت که «لیس لها حد» یعنی حد معینی ندارد و به اختلاف نساء، مختلف است و آن روایاتی که عدد مشخص کرده‌اند ناظر به اقصای کثرت بوده‌اند. شاهدش این است که در هیچ کدام از این روایات، کلمه حد به کار نرفته و مسئله عدم حد داشتن نفاس نسبت به اقل، اجماعی است (گنجی، درس خارج فقه). صاحب جواهر نیز در اینکه خون نفاس حداقلی ندارد ادعای اجماع کرده و بیان داشته است که این موضوع در کتاب‌های الخلاف، المعتمد، المنتهی، التذکره، الذکری، الروض، ظاهر المدارک و شرح المفاتیح بیان شده است (نجفی جواهری، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۳۶۸).

## ۵-۲. حداکثر نفاس

اختلاف فتوا در این بحث، بسیار زیاد است. در بین فقهای شیعه، متأخرین بر حداکثر ده روز اتفاق نظر دارند، به این دلیل که به احتیاط نزدیک‌تر است. ولی این مطلب، نه اجماعی است و نه مضمون تمامی روایات و نه با واقعیت خارجی مطابقت دارد؛ زیرا زنان زیادی در ایام بیشتری خون می‌بینند و گاهی تا دو ماه باید پیوسته

اعمال مستحاضه را انجام دهند که کاری طاقت فرسا است (عابدینی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۸). اما این مسئله در بین متقدمین، محل اختلاف بوده و گفته شده است که شیخ مفید در المقنعه (۱۴۱۰، ص ۵۷ - ۵۸)، سید مرتضی در الانتصار (۱۴۱۵، ص ۱۲۹ - ۱۳۰) و صدوقین در المقنعه (بی تا، ص ۵۰) قائل به هجده روز هستند. از مخالفت بزرگان در صدر اول معلوم می شود که مسئله در آن زمان واضح نبوده است. باتوجه به گستردگی بحث، فقط به تعدادی از نظرات قائلان به ده روز، هجده روز و تأخیر پرداخته می شود.

**دیدگاه ده روز:** شیخ طوسی در خلاف فرموده است: «بیشترین حد نفاس، ده روز است و بیشتر از آن، حکم استحاضه را دارد و در بین شیعیان کسانی هستند که هجده روز را گفته اند و دلیل ما بر صحت ده روز، اجماع شیعه است و راه احتیاط؛ زیرا آنچه را که ما معتبر دانستیم، همه بر نفاس بودنش اجماع دارند، ولی بر زیادتر از آن دلیلی نیست و اصل، وجوب عبادات است؛ بنابراین اسقاطش بدون دلیل، جایز نیست» (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۳).

**دیدگاه هجده روز:** صدوق در المقنعه می فرماید: «زن اگر زاییده، ده روز از نماز بازمی ماند، مگر اینکه قبل از آن پاک شود. پس اگر خون ادامه داشت، ده روز نماز را ترک می کند. پس وقتی که روز یازدهم شد، غسل می کند و محل خروج خون را محکم می بندد و به وظیفه مستحاضه عمل می کند. همچنین روایت شده که هجده روز می نشیند. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زنان شما مانند زنان صدر اسلام نیستند. زنان شما گوشت و خون بیشتری دارند؛ بنابراین باید بنشینند تا پاک شود» (ابن بابویه القمی (شیخ صدوق)، بی تا، ص ۵۰ و حر عاملی، ۱۳۸۳، باب سوم از ابواب نفاس، ح ۲۶).

از عبارت روشن می شود که شیخ صدوق اگرچه حد اکثر ده روز را برای نفاس ترجیح داده، ولی احتمال هجده روز و احتمال ادامه نفاس تا پاک شدن از خون را

منتفی ندانسته است؛ بلکه هر دو را سخنانی قابل ذکر دانسته است. به ویژه احتمال دوم که نشان می‌دهد تعداد روزها عدد مشخصی نیست، بلکه مربوط به طبیعت زنان است را ارجح دانسته است؛ چون آن را به امام صادق علیه السلام نسبت داده است و با کلمه «رُوی» از کنار آن نگذشته است (عابدینی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۹).

**دیدگاه تخییر:** مرحوم مقدس اردبیلی در مجمع الفائدة و البرهان فرموده‌اند: «بحث بیشترین حد نفاس، از مشکلات علم فقه است؛ زیرا اخبار صحیح، به حدی در این باره مختلف است که قابل جمع نیست، مگر با حمل بر تقیّه یا تخییر بین ده، هجده، سی، چهل، پنجاه و... و اگر اجماعی در مسئله نبود، به تخییر بین آن و ده روز با استظهار قرار داده می‌شد و فتوای به ده با استظهار نیز ممکن است و نیز تأویل کردن روایات هجده روز درست نیست که در روایت اسماء بنت عمیس «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنِ النَّفْسَاءِ كَمْ تَقْعُدُ - فَقَالَ إِنَّ أَسْمَاءَ بِنْتُ عُمَيْسٍ أَمْرَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله - أَنْ تَغْتَسِلَ لَثَمَانِ عَشْرَةَ - وَلَا بَأْسَ بِأَنْ تَسْتَظْهَرَ بَيَوْمٍ أَوْ يَوْمَيْنِ؛ گفته شود اسماء بنت عمیس در آن وقت سؤال کرده است و اگر قبلاً سؤال کرده بود، باز به او گفته می‌شد غسل کند» (اردبیلی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۰).

باتوجه به نظرات متفاوتی که بیان شد، دلایل مختلفی نیز در این زمینه مطرح گردیده که به مواردی از آن پرداخته می‌شود:

#### ۱-۵-۲. مقتضای قاعده اولیه

**الف) مقتضای اصول لفظیه:** اصل لفظی، خطابات است که به نماز و روزه امر می‌کند یا خطابات است که به دخول مسجد و قرائت قرآن ترغیب می‌نماید یا خطابات است که وطی را تجویز می‌کند. این خطابات، همه زنهار شامل می‌شود. آنچه که به صورت قطعی از این خطابات ملزمه و مرخصه خارج شده است تا ده روز است، اما در مازاد بر ده روز، شک در تخصیص زائد است؛ پس مرجع در آن عموم عام است (گنجی، درس خارج فقه، ۹۹/۱۳ سایت <https://fa.mfeb.ir>).



ب) مقتضای اصول عملیه: بعضی از فقها فرموده‌اند که مقتضای اصل عملی برعکس، اصل لفظی است و باید بعد از ده روز هم احکام نفاس اجرا شود؛ چون تا ده روز یقین دارند که نفساء است، بعد از ده روز شک می‌کند که نفساء است یا نه؟ استصحاب می‌گوید نفساء است تا زمانی که حجت بر خلاف پیدا شود که هجده روز است. این استصحاب، از نوع استصحاب در امور تدریجیه است که برخی معتقدند استصحاب در تدریجیات جاری است. شیخ انصاری استصحاب را نمی‌پذیرند و استصحاب را در امور تدریجیه قبول ندارند. ثانیاً وحدت موضوع، احراز نشده است؛ چون احکام بر نفساء آمده است، تا ده روز نفساء است، اما بعد از ده روز شک می‌شود در نفساء است یا نه؟ و چون بقاء موضوع احراز نشده است نمی‌تواند استصحاب را جاری کرد. اما از نظر عرف، به کسی که زایمان کرده و خون از او خارج می‌شود، نفساء اطلاق می‌شود؛ چه ده روز باشد و چه کمتر. لذا اینکه شارع، احکام را تا خون ده روز بار کرده است معنایش این نیست که بعد از ده روز نفاس نیست؛ از این رو استصحاب جاری است و همچنان احکام بر نفساء بار می‌شود. باتوجه به دو مقتضای اصل لفظی و عملی، اگر شک شود که اکثر نفاس ده است یا هجده، همان طور که بیان شد، مقتضای اصل لفظی این است که ده روز باشد و از ده بالاتر، احکام غیر نفاس بار می‌شود و نوبت به استصحاب احکام نفاس نمی‌رسد (همان).

## ۲-۵-۲. مقتضای روایات خاصه

بعد از بیان اصل اولی باید دید که مقتضای اصل ثانوی چیست؟ طبق نظر اکثر فقها، مقتضای روایات ده روز است و طبق نظر برخی دیگر، هجده روز است. ما ابتدا دلایل قول اکثر را بیان می‌کنیم که ده روز است.

### الف) ادله قول به ده روز

یک - ذوالعاده: یک طایفه از آنها می‌گویند: نفساء باید بعد از گذشتن ایام عادتش نماز

بخواند و چون اکثر در حیض ده روز است، معلوم می‌شود که اکثر در نفاس هم ده روز است. صاحب وسائل این روایات را در باب دوم آورده است: «زُرَّازَةُ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: النَّفْسَاءُ تَكُفُّ عَنِ الصَّلَاةِ أَيَّامَهَا الَّتِي كَانَتْ تَمُكُّهُ فِيهَا ثُمَّ تَغْتَسِلُ - وَتَعْمَلُ كَمَا تَعْمَلُ الْمُسْتَحَاضَةُ». مفاد این روایات این است که به مقدار عادت، نفاس است و بعد از آن، استحاضه است. تنها عیب این روایات این است که منحصر در ذوالعاده هستند. همچنین در روایت یونس بن یعقوب از امام صادق عليه السلام آمده است: «شنیدم که حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود: زن زایمان‌کننده، [به تعداد] روزهای عادتش که حیض می‌شد، می‌نشیند، سپس از حال خودش آگاهی می‌یابد و غسل می‌کند و نماز می‌خواند» (کلینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۵؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۷۵ و بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۰).

دو- استظهار: یونس گفت: از حضرت صادق عليه السلام در مورد زنی که زایید و بیش از مقداری که خون می‌دید خون دید [سؤال شد]. فرمود: «روزهای عادتش را که می‌نشست، بنشیند، سپس به ده روز استظهار کند، اگر دید که خون می‌ریزد، باید در وقت هر نمازی غسل کند و اگر زردی دید، باید وضو بگیرد و نماز بخواند» (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۵). این روایت نیز دلالت می‌کند که اکثر نفاس، ده روز است؛ چون اگر بیشتر از ده روز احتمال نفاس وجود داشت، به چه دلیل حضرت فرموده است تا ده روز استظهار شود. از این رو مشخص می‌شود که اکثر نفاس، ده روز است.

### ب) ادله قول به هجده روز بودن

روایات مربوط به بیشتر از ده روز، اختلاف زیادی با یکدیگر دارند. تعبیر بعضی از آنها، حکم به نفاس است: «ما لم ينقطع الدم»؛ بعضی از آنها گفته‌اند تا یازده روز نفاس است؛ برخی از آنها چهل روز را مطرح کرده‌اند و همچنین عده‌های دیگری هم بیان شده است؛ لکن ما نسبت به غیر هجده مشکلی نداریم و آنها را حمل بر تقیه می‌کنیم؛ چون در بین اهل سنت قائل دارند، علاوه بر اینکه این روایات، معرض عنه اصحاب بوده و کسی به آنها قائل نشده است.

از روایت معروف، قضیه اسماء بنت عمیس است: «وَعَنْهُ عَنْ فَصَّالَةَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنِ النِّفْسَاءِ كَمْ تَقْعُدُ - فَقَالَ إِنَّ أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَيْسٍ أَمَرَهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) - أَنْ تَغْتَسِلَ لَثَمَانِ عَشْرَةَ - وَلَا بَأْسَ بِأَنْ تَسْتَظْهَرَ بِيَوْمٍ أَوْ يَوْمَيْنِ» (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۷). در این روایت، شخص از حد نفاس سؤال می کند و حضرت نیز هجده روز را بیان می کند که ظاهرش بیان حدّ است. همچنین در روایتی از محمد بن مسلم که به حضرت صادق (ع) گفت: «زنی که زاییده، چقدر [از نماز] بازمی ماند تا [دوباره] نماز بخواند؟ فرمود: هجده روز، هفده روز. سپس غسل می کند و پنبه به خود می گیرد و نماز می خواند» (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۲).

## ۲-۶. مبدأ شروع نفاس

در محاسبه ده روز نفاس، توجه به سه نکته لازم است:

اول، مبدأ محاسبه ده روز، خون خارج شده بعد از زایمان است. هرچند خون خارج شده در حین زایمان نیز نفاس است، ولی در شمارش روزها، داخل در ده روز نفاس نیست. دوم، معیار در محاسبه ده روز، خروج خون است نه نفس زایمان؛ لذا اگر خون با تأخیر از زایمان خارج گردد، زمان خروج خون، ابتدای محاسبه ده روز است. سوم، اینکه مبدأ محاسبه ده روز نفاس، روز است؛ لذا اگر زایمان و دیدن خون در شب واقع شده، هرچند خون نفاس است، ولی جزء ده روز نفاس محسوب نمی گردد و روش محاسبه ده روز در نفاس، همانند ده روز حیض است (سیستانی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۹۹). سید یزدی در خصوص شروع نفاس می فرماید: «اگر زن ده روز را نفاس قرار دهد، لازم نیست شب روز آخر را هم نفاس قرار دهد؛ چون زن اگر ذوالعاده باشد، عادت او عشره آیام است و شب را شامل نمی شود و اگر ذوالعاده نباشد، به مقتضای روایات باب نفاس، اکثر نفاس او هم عشره آیام می باشد». به استناد موثقه عمار که شروع ولادت را ملاک شروع در نفاس بیان کرده است، علاوه بر آن اطلاعات «النفساء تدع الصلاة» شامل آن نیز می شود «وإن لم تكن محسوبة من العشرة» چون عشره آیام از یوم شروع می شود

«و لو اتفقت الولاده فی وسط النهار یلفق من الیوم الحادی عشر لا من لیلته و ابتداء الحساب بعد تمامیه الولاده و إن طالت لا من حین الشروع و إن کان إجراء الأحکام من حین الشروع إذا رأَت الدم إلى تمام العشره من حین تمام الولاده» (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۶۱) و مقصود از روز، اعم است از تلفیق و کامل؛ زیرا خیلی از ولادت‌ها در روز اتفاق می‌افتد، لذا واژه «یوم» به‌کاررفته در آن اعم بوده و شامل یوم تلفیقی نیز می‌شود.

مرحوم سید معتقد است «ده روز از اتمام ولادت محاسبه می‌شود نه از اول ولادت، با اینکه خون‌های خارج شده از اول ولادت، نفاس می‌باشند». این کلام اطلاق دارد که بلافاصله بعد از اتمام ولادت خون بیاید یا اینکه با چند روز فاصله خون بیاید که در اینجا دو جهت مطرح است:

اول - بعضی از فقها معتقدند که «خون خارج شده قبل از اتمام ولادت، جزو ده نیست؛ چون موضوع احکام نفاس و منها العشره «نفساء» است و نفساء وقتی صدق می‌کند که ولادت تمام شده باشد و قبل از پایان ولادت، نفساء صادق نیست. لذا روایاتی که هجده را نفی می‌کند و اکثر نفاس را عشره آیام یا آیام عادت بیان می‌کنند موضوعشان نفساء است و تنها بعد از اتمام ولادت صادق می‌باشند. ولی این مطلب، در دم النفاس صادق نیست؛ چراکه دم النفاس، با شروع ولادت نیز صدق می‌کند».

علاوه بر آن، روایتی نیز در مقام وجود دارد که بیان می‌کند مبدأ ده روز، از اتمام ولادت است «و عَنْ مَالِکِ بْنِ أَعِیْنٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنِ النُّفَسَاءِ یُعْشَاهَا زَوْجَهَا وَ هِیَ فِی نَفَاسِهَا مِنَ الدَّمِ قَالَ نَعَمْ إِذَا مَضَى لَهَا مُنْذُ یَوْمٍ وَضَعَتْ بِقَدْرِ آیَامٍ عِنْدَ حِیْضِهَا ثُمَّ تَسْتَطْهِرُ بِیَوْمٍ فَلَا بَأْسَ بَعْدَ أَنْ یُعْشَاهَا زَوْجَهَا یَأْمُرُهَا بِالْعُغْلِ فَتَغْتَسِلُ ثُمَّ یُعْشَاهَا إِنْ أَحَبَّ» (حر عاملی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۸۴).

تقریب استدلال به روایت این است که در این روایت، مبدأ محاسبه آیام عادت، وضع حمل زن بیان شده و پرواضح است که تا قبل از اتمام ولادت، وضع حمل صدق نمی‌کند و دلالت می‌کند که ابتداء حساب، از اتمام است و به این مطلب، ادعای اجماع هم شده است.

دوم - اینکه اگر زن وضع حمل کند ولی تا سه روز خون نیاید، آنگاه بعد از گذشتن سه روز خون بیاید، اینجا آیا مبدأ احتساب نفاس، اول ولادت است یا بعد از سه روز است؟ به عبارت اخیری، آیا ولادت، تمام الموضوع است برای مبدئیت عشره یا جزء الموضوع است که ولادت باشد و دم هم باشد به حیثی که اگر ولادت بود و دم نبود و بعد از سه روز آمد، نفاس از آن هنگام شروع شود.

بعضی از فقها معتقد هستند که «ملاک در عشره، ولادت و دم است» و صاحب جواهر هم از بعضی از علماء این قول را نقل کرده است. آیت الله خویی معتقد است که ولادت، جزء الموضوع است و تمام الموضوع نیست. دلیل ایشان این است که: موضوع روایات که می‌گفت تکف ایام‌ها «نفساء» است و نفساء به کسی می‌گویند که هم زایمانش تمام شده است و هم خون می‌آید؛ لذا اگر هیچ خون ندید، نفساء نیست و احکام نفاس درباره او جاری نیست. اصلاً ندیدن دم خیلی نادر است؛ پس موضوع تکف ایام‌ها من ولدت و رأیت دمّاً است (خویی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۷۱). در روایت مالک بن اعین عن أبی جعفر (علیه السلام): «... إِذَا مَضَىٰ لَهَا مُنْذُ يَوْمٍ وَضَعَتْ بِقَدْرِ أَيَّامٍ عَدَّهُ حَيْضُهَا ثُمَّ تَسْتَظْهَرُ بِيَوْمٍ فَلَا بَأْسَ بَعْدَ أَنْ يَغْسَاَهَا زَوْجُهَا...» (حر عاملی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۹۵)، ظاهر «مُنْذُ يَوْمٍ وَضَعَتْ»، زمان وضع است و اطلاق دارد که «تری الدم او لم تری» گفته است. اولاً این روایت، اشکال سندی دارد و ثانیاً اشکال دلالی نیز دارد. اشکال دلالی اش این است که اطلاق ندارد و منحصر به وجود دم است. به قرینه آن روایاتی که می‌گفت در احکام نفاس، دم لازم است، این روایت هم همین معنی را می‌گوید. علاوه بر اینکه نیامدن خون همراه با وضع حمل، بسیار نادر است؛ فلذا خارج از اطلاق روایت است. بنابراین اگر چند روز خون ندید و دوباره خون دید، ده روز از آنجا شروع می‌شود. البته به شرط اینکه خیلی فاصله نشود و الا اگر خیلی فاصله شود به نحوی که احراز نشود خون مال ولادت است یا نه، نفاس نمی‌باشد (گنجی، درس خارج فقه).

## ۲-۷. قطع شدن خون قبل از ده روز یا هنگام ده روز

سید یزدی می‌فرماید: «اگر خون قبل از ده روز یا هنگام ده روز قطع شود، به هر تعدادی که خون دیده است، نفاس می‌باشد». به این مطلب می‌توان چند دلیل مطرح کرد:

یک - تساوی بین حیض و نفاس: دلیل اول ادله‌ای که بین حیض و نفاس تساوی برقرار کرده و آنها را سیّان دانسته‌اند و چون در باب حیض گذشت که ذوالعاده یا غیرذوالعاده اگر در عشره یا قبل از آن قطع شود همه خون‌ها حیض است، به حکم روایات «الحیض و النفاس سیّان» این حکم در نفاس هم جاری است (یزدی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۶۴۳).

دو - روایت استظهار: دلیل دوم، روایت یونس است که مربوط به استظهار الی عشره ایام می‌باشد: «عَنْ يُونُسَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ امْرَأَةٍ وَلَدَتْ - فَرَأَتْ الدَّمَ أَكْثَرَ مِمَّا كَانَتْ تَرَى - قَالَ فَلْتَقْعُدْ أَيَّامَ قُرْبَاهَا الَّتِي كَانَتْ تَجْلِسُ - ثُمَّ تَسْتَظْهِرْ بِعَشْرَةِ أَيَّامٍ - إِنْ رَأَتْ دَمًا صَئِبًا فَلْتَعْتَزِلْ عِنْدَ وَقْتِ كُلِّ صَلَاةٍ - فَإِنْ رَأَتْ صُفْرَهُ فَلْتَتَوَضَّأْ ثُمَّ لْتُصَلِّ» (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۱). طبق این روایت، اگر خون تا ده روز قطع بشود، همه آن خون‌ها نفاس هستند. البته این روایت در ذوالعاده است و لکن به اولویت قطعیه می‌توان گفت اگر در ذوالعاده این گونه است، قطعاً غیرذوالعاده هم این گونه است که اگر سرده روز قطع شد، همه نفاس می‌باشد.

## ۲-۸. حکم پاکی متخلل

سید یزدی معتقد است که نفساء باید در نقاء متخلل احتیاط کند و بین اعمال نفساء و طهارت جمع نماید؛ به گونه‌ای که در حیض نقاء متخلل اشکال داشت و معلوم نبود که به حکم حیض است یا به حکم طهارت، در اینجا هم اشکال دارد؛ فلذا باید احتیاط شود (یزدی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۶۴۷).

اما آیت‌الله خویی معتقد است نقاء متخلل به حکم حیض است؛ چون در حیض، تخلل نقاءها متعارف است، فلذا آنها هم به حیض ملحق است و به حکم «النفساء تقعد ایام حیضها» می‌توان گفت که نقاء در نفاس هم ملحق به نفاس است. خصوصاً که در نفساء، مراعات احتیاط در ایام نقاء حرجی است (خویی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۸۶).

## ۲-۹. وجوب غسل

در وجوب غسل نفاس بحثی وجود ندارد؛ حال بعد از انقطاع یا بعد از عادت یا بعد از عشه. در روایات عدیده‌ای از جمله در صحیح زراره (حر عاملی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۷۳) که امر به غسل نموده است: «فان انقطع الدم والاغتسلت». همچنین از روایت مالک بن اعین: «عَنْ مَالِكِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنِ النَّفْسَاءِ يَغْشَاهَا زَوْجَهَا... يَأْمُرُهَا فَتَغْتَسِلَ ثُمَّ يَغْشَاهَا إِنَّ أَحَبَّ؛ از ابو جعفر باقر (ع) سؤال کردم: در صورتی که خونریزی نفساء ادامه داشته باشد، آیا شوهرش می‌تواند با او هم‌بستر شود؟ فرمودند: خانم اندام خود را تطهیر کند و سپس غسل کند، بعد از آن به بستر بروند» (همان، ص ۳۹۵) نیز وجوب غسل استفاده می‌شود.

## ۳. غسل نفاس از دیدگاه اهل سنت

### ۳-۱. تعریف نفاس

هرکدام از اهل سنت تعریف خاصی ارائه داده‌اند: مذهب حنفیه و شافعیه اصطلاحاً نفاس را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «نفاس خون خارج شده پس از ولادت فرزند است» (النووی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۵۱۹). مذهب مالکیه معتقدند به اینکه خون خارج شده از فرج (زن) به خاطر به دنیا آوردن فرزند است بنا بر صحت زایمان و عادت زن بعد از ولادت بنا بر نظر اتفاق علما و یا (خون خارج شده) به همراه ولادت فرزند بنا بر قول اکثر اهل سنت، نه خونی که قبل از ولادت می‌آید (دسوقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۴). اما مذهب حنابله آن را این‌گونه تعریف کردند به اینکه نفاس خونی است که رحم، آن را به همراه ولادت و قبل و بعد از آن بیرون می‌ریزد به مدت ۲ یا ۳ روز با علامت درد تا تمام شدن چهل روز (البهوتی حنبلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۸).

### ۳-۲. مدت نفاس

اهل سنت در کمترین مدت نفاس و بیشترین مدت آن اختلاف دارند که تفصیل آن نظرات در ادامه بیان می‌شود:



### ۳-۲-۱. حداقل نفاس

نظر جمهور اهل سنت این است که هیچ حدی برای کمترین زمان نفاس نیست و در هر وقتی که پاک شد غسل کند و نماز بخواند (المقدسی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۴۶ و البهوتی حنبلی، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۸-۲۱۹). حنفیه معتقد است در مورد معتبر بودن کمترین وقت و زمان نفاس در پایان عده (طلاق و وفات) بین اهل سنت اختلاف وجود دارد: به اینکه وقتی شوهر به همسرش بگوید در زمانی که فرزند را به دنیا آورد که تو را طلاق دادم و زن بگوید نفساء هستم پس پاک شود، در نفاس چه مقدار زمان درست است؟ پس ابوحنیفه بیان داشته که «کمترین مدت که ۲۵ روز است اعتبار دارد» و ابویوسف معتقد است «کمترین مدت یازده روز حساب می شود» و اما محمد بیان داشته که «آنچه زن ادعا کند پذیرفته است، اگرچه یک ساعت باشد» (الکاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۱) و مذنی از مکتب شافعیه گفته: «کمترین مدت نفاس، چهار روز است و در حکم نفاس فرقی ندارد که خلقت بچه کامل شده باشد یا ناقص و اینکه مرده باشد یا مضغه و علقه» (النووی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۷۴). از احمد نیز روایت شده است که کمترین مدت نفاس، یک روز است (البهوتی حنبلی، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۹)؛ لذا دیده می شود در هر یک از مذاهب، دیدگاه های متفاوتی مطرح شده است و با هم اتفاق نظر ندارند.

### ۳-۲-۲. حداکثر نفاس

اهل سنت در مورد حداکثر نفاس دو نظر دارند:

**نظر اول:** نظر جمهور از حنفیه و حنابله و - این نظر در مقابل نظر مشهور نزد مالکیه است - به اینکه بالاترین مدت نفاس، چهل روز است (المقدسی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۵) و ثوری و اسحاق بنابر آنچه روایت شده است از ام سلمه که گفت: «زن نفساء در زمان رسول خدا ﷺ چهل روز می نشیند» (مجموعه من المؤلفین، بی تا، ج ۴۱، ص ۷) و آنچه روایت شده از ام سلمه که: او از پیامبر ﷺ سؤال کرد که زن هنگامی که زایمان کرد چه مدت بنشیند؟ گفت: چهل روز می نشیند مگر اینکه قبل از آن پاکی را ببیند (المقدسی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۵۱).



پس اگر خون نفاس از چهل روز افزایش یافت، آن زمانی که مصادف با عادت حیض باشد، آن حیض است و اگر با عادت حیض مصادف نباشد، پس آن استحاضه است» (مجموعه من المؤلفین، بی تا، ج ۴۱، ص ۱۰).

**نظر دوم:** نظر مشهور شافعی و مالکی نزد آنها و آنچه روایت شده است از شعبی و عبیدالله بن حسن عنبری و حجاج بن ارطاه و روایت از احمد که آن را ابن عقیل حکایت کرده این است که: بالاترین مدت نفاس، شصت روز است (الکاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۱ و المقدسی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۵۱) و استدلال کردند به آنچه روایت شده است از اوزاعی که گفت: «از نظر ما در مورد زنی که نفاس می بیند ۲ ماه است» و مثل این نظر روایت شده است از عطاء که آن را این گونه یافته است (یعنی همان ۲ ماه) و مرجع در آن همان است که وجود دارد (المقدسی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۵۱).

### ۳-۳. شروع نفاس

اهل سنت با هم اتفاق کردند به اینکه خون خارج شده بعد از جدا شدن فرزند، نفاس است و اختلاف کردند در خون خارج شده قبل از ولادت به خاطر علت آن (یعنی خون خارج شده قبل از ولادت به خاطر آن ولادت، انفصال ولد نیست، بلکه علت دیگری دارد)؛ اما حنفیه معتقدند خونی که زن حامله در ابتدای زایمان یا در حال زایمان قبل از خروج فرزند می بیند، خون استحاضه است و نفاس نیست؛ اگرچه ادامه دار باشد (مجموعه من المؤلفین، بی تا، ج ۴۱، ص ۸).

همچنین طبق دیدگاه مالکیه بنا بر قول اکثر و شافعیه به طور اظهر اعتقاد دارند به اینکه آن خونی که زن حامله آن را قبل از ولادت تا رسیدن آن می بیند، خون حیض است و نفاس نیست و مدت نفاس از آن زمان حساب نمی شود؛ بلکه از زمان خارج شدن فرزند و جدا شدن آن از مادر، زمان و مدت نفاس حساب می شود (همان). اما حنابله معتقدند شروع نفاس، از خارج شدن جزئی از فرزند و خونی که زن، آن را قبل از خروج بعض یا جزئی از فرزند می بیند تا سه روز همراه با نشانه هایی مانند درد، پس آن،

خون نفاس است که مانند خارج شدن همراه فرزند است و آنچه خونی که قبل از ولادت خارج می شود، از مدت نفاس محسوب نمی شود (البهوتی حنبلی، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۹)؛ اما آن خون خارج شده همراه فرزند، پس اهل سنت در آن نیز اختلاف دارند (همان) و حنفیه معتقدند که خون استحاضه است. مالکیه معتقد است که نفاس است بنابر قول اکثر و همچنین است نظر حنابله (دسوقی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۴).

### ۳-۴. قطع شدن خون از زمان نفاس

قطع شدن خون از زمان نفاس، یعنی قبل از تمام شدن چهل روز بنابر نظر جمهور (دو حالت دارد): یا اینکه به طور کامل قطع می شود بدون اینکه دوباره خون ببیند و خون برگردد و یا اینکه قطع شود پس برمی گردد (و باز خون می بیند). تفصیل این دو حالت چنین است:

#### حالت اول: قطع شدن خون به طور کامل بدون برگشت

جمهور اهل سنت معتقدند زن نفساء زمانی که خونش قبل از چهل روز به طور تمام و کمال قطع شود، پاک است و غسل کند و نماز بخواند (الکاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۱). آنها احتجاج کردند به آنچه روایت شده است از «ام سلمه که از پیامبر ﷺ سؤال کرد زن وقتی زایمان کرد چقدر بنشیند؟ گفت: چهل روز بنشیند، مگر اینکه پاکی را ببیند قبل از تمام شدن چهل روز» (الدارقطنی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۴۱۴)؛ همان طور که علت آوردند برای این حکم، همچنین به اینکه بنا را بر ظاهر می گذاریم؛ زیرا برگشتن خون موهوم است. پس آنچه که معلوم است (مثل طهره پاکی) را با موهوم (امر نامعلوم) ترک نمی کند؛ یعنی چون در ظاهر پاک شده است، غسل کند و نماز بخواند و به خاطر اینکه شاید خون ببیند، یعنی امر موهوم، غسل و نماز را ترک نکنند (الکاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۱) و ابوخطاب الکلوذانی گفته: «اکثر اهل سنت وطی کردن با زن را مکروه نمی دانند» (همان). مالکی و شافعی گفتند که: بالاترین مدت خون نفاس شصت روز است؛ پس زمانی که خون قبل از تمام شدن شصت روز به طور کامل و تمام قطع شود بدون برگشت خون، زن پاک است و غسل کند و نماز بخواند (دسوقی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۵).

## حالت دوم: قطع شدن خون پس از برگشتن آن در مدت نفاس با دلایل آن

نظر مالکی و محمد و ابویوسف از حنفیه و شافعیه بنابر نظر اصح نزد آنها این است که زمانی که خون نفاس قطع شد تا پانزده روز، پس تمام شد پاکی آن و آنچه از او می آید، آن حیض است. اما هنگامی که مدت قطع شدن خون کمتر یا بیشتر از پانزده روز باشد، ابوحنفیه معتقد است پاکی بین چهل روز، آن نفاس را از بین نمی برد و فرقی ندارد پانزده روز باشد یا کمتر یا بیشتر و دو خون در دو طرف پاکی مثل خون متوالی است و فتوا بر آن صادر شده است نزد ابویوسف و محمد که آن پانزده روز، خون نفاس را از بین می برد. پس اگر بعد از ولادت، یک روز خون ببیند و ۳۸ روز پاک باشد و دوباره یک روز خون ببیند، پس نزد ابی حنیفه، تمام چهل روز، نفاس است و نزد آن دو نفر (ابویوسف و محمد) آن خون اول، همان نفاس است (مجموعه من المؤلفین، بی تا، ج ۴۱، ص ۹). نظر و عقیده مالکیه این است که زمانی که خون نفاس قطع شد، قبل از پاکی کامل، ملحق می شود به ایام خون شصت روز و ایام انقطاع روزهایی که خون قطع شده است ملغی می شود و هر وقت خون قطع شد، غسل می کند و روزه می گیرد و نماز می خواند و نزدیکی می کند (خرشی، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۰). همچنین نظر مقابل صحیح تر نزد شافعیه این است که زمانی که پانزده روز و بیشتر پاک بود و سپس خون برگشت، پس آن نفاس است؛ همچنان که اگر فاصله بیفتد بین آن دو (پاکی و خون دیدن) کمتر از پانزده روز باشد (باز هم نفاس است)، به خاطر اینکه در زمان امکان واقع شده است. در پاکی و خون دیدن، نزد شافعیه دو قول است: اینکه پاکی محسوب می شود و نفاس نیست و دوم اینکه نفاس است و این نظر دوم، مشهور است و جمهور، این نظر را محکوم کرده و قبول ندارند (النووی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۵۲۸)؛ اما هنگامی که زمان پاکی به پانزده روز نرسد، پس دو حالت دارد: یا با این روزهایی پاکی، مدت خون دیدن بیشتر از شصت روز می شود یا بیشتر از شصت روز نمی شود؛ پس اگر بیشتر از شصت روز شد، ببیند که اگر مدت پاکی بین دو خون، کمترین زمان پاکی است به اینکه یک روز خون دیده و یک روز هم

پاک بوده، پس زمان‌های خون دیدن قطعاً نفاس است و در مورد آن پاکی، دو قول است مانند حیض (همان، ج ۱، ص ۱۷۸):

اول: اینکه آن پاکی هم نفاس محسوب می‌شود و قول سَحْب نامیده می‌شود؛ یعنی از آن پاکی، چشم‌پوشی کرده‌اند و آن پاکی را نادیده گرفتند.

دوم: اینکه آن خون ندیدن، پاکی محسوب می‌شود و نفاس نیست؛ زیرا خون اگر دلالت بر نفاس کند واجب است که آن خون ندیدن هم دلالت بر پاکی کند و این چیزی است که نامیده می‌شود به قول لُقْط؛ یعنی وصله زدن (اگر آن پاکی را هم نفاس محسوب کنیم، مثل اینکه آن را به نفاس وصله بزنیم) و قول تلفیق؛ یعنی آن پاکی را به نفاس ملحق کردیم (درحالی‌که طبق این نظر، نباید پاکی به نفاس ملحق گردد و آن را به تنهایی طهر و پاکی محسوب کرد) (مجموعه من المؤلفین، بی تا، ج ۴۱، ص ۱۰). حال اگر بیشتر از شصت روز شد باز دو حالت دارد: یا پاک شدن پانزده روز است یا نه؛ پس اگر زمان پاکی به پانزده روز رسید، سپس خون دیده و دوباره همین اتفاق افتاد، پس بدون هیچ اختلافی، این خون دیدن، حیض است و پاکی قبل از آن هم طهر محسوب می‌شود. اما اگر زمان پاک شدن و تمیزی به پانزده روز نرسید، پس آن زن، مستحاضه محسوب می‌شود. حال اگر از زنان ممیزه است که قبلاً هم حیض می‌شد، پس برمی‌گردد به زمان تمیز (که چند روز حیض بوده و غیر از آن زمان می‌شود استحاضه). و اگر زن مبتدا باشد، پس برمی‌گردد به کمترین زمان نفاس یا بالاترین زمان نفاس و در این اختلاف است. و اگر جزء زنانی بود که قبلاً هم عادتاً این گونه بوده است که طبق عادت قبلی برای خود حساب می‌کند و در همه حالات تلفیق را انجام می‌دهد، پس اگر چشم‌پوشی کردیم، پس خون در ایام پاکی بین آن نفاس محسوب می‌شود. و اگر آن پاکی را ملحق کنیم و تلفیق کنیم، پس حکمش مخفی نیست و آیا این تلفیق، طبق عادت زن می‌شود یا از زمان امکان است و آن شصت روز است؟ در این مورد، دو وجه است که در سابق، در فصل تلفیق گفته شد (همان). در این زمینه حنا بله معتقدند اینکه برگشتن خون بعد

از قطع شدن آن در مدت چهل روز مشکوک است در اینکه خون نفاس باشد یا خون فاسد، برای اینکه دو نشانه با هم تعارض دارند؛ همان طور که اگر با ولادت خون ببیند و سپس در آن مدت خون ببیند، یعنی در چهل روز پس در آن شک وجود دارد، پس روزه می‌گیرد و نماز می‌خواند و روزه قرض (یا قضا) می‌گیرد و در زمان این خون نزدیکی نمی‌کند (البهوتی حنبلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲۰).

### ۵-۳. تجاوز خون از حداکثر مدت نفاس

اهل سنت در حکم خونی که بیشتر از مدت نفاس باشد تفصیل قائل شده‌اند. حنفیه بین کسی که مبتدئه است و بین کسی که عادت ماهیانه دارد در نفاس، فرق گذاشته‌اند: پس اما کسی که (مبتدئه بر حاملگی است) آن کسی است که از شوهرش حامله شده است قبل از اینکه حیض شده باشد و هنگامی که زایمان کند و خون ببیند بیشتر از چهل روز، پس آن استحاضه است، برای اینکه چهل روز برای زن نفساء مانند ده روز برای حیض است، پس زیادتر از آن ده روز در حیض را استحاضه حساب می‌کند، پس همچنین است زیادی در چهل روز در نفاس. اما صاحب عادت در نفاس زمانی که زیادی در عادتش را خون ببیند، پس اگر عادتش چهل روز باشد، زیادی آن استحاضه است به خاطر آنچه گذشت و اگر کمتر از چهل روز باشد، پس آنچه اضافه می‌شود تا چهل روز، نفاس محسوب می‌شود. پس اگر زیادی بر چهل روز باشد، برمی‌گردد به عادتش؛ پس آنچه طبق عادتش باشد، می‌شود نفاس و زیادی آن، استحاضه می‌شود (الکاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۲-۴۳).

مذهب مالکیه اعتقاد دارند که خون نفاس اگر از چهل روز زیادتر شد، آن استحاضه است؛ اگرچه عادتش در زیادتر از آن باشد پس همانا برمی‌گردد به عادتش (خرشی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۰).

اما در مذهب شافعی در مجموع آمده است هنگامی که خون نفساء از شصت روز عبور کند، پس در آن دو روش است: صحیح‌ترین آن، دو روایت است که آن مانند حیض است زمانی که ده روز باشد که در زن ممیزه به همان مقدار تمییز (مقدار

مشخص آن) برای حیض عمل می‌کند و در زن صاحب عادت، به عادت او برمی‌گردد یا اقل یا اکثر، اگر مبتدئه غیرممیزه است و عادت آن همان چیزی است که مصنف گفته است و این روش را مصنف، شیخ قاضی ابوطیب و امام حرمین و غزالی قبول دارند (الانوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۳). روش دوم: محاملی، ابن صباغ، متولی، بغوی و الشیخ نصر و دیگران از عراقی‌ها و خراسانی‌ها حکایت کردند که در این مسئله، سه وجه وجود دارد:

صحیح‌ترین آن وجه به اتفاق نظر آنها، همان روش اول است. وجه دوم: اینکه شصت روز، همه آن نفاس است و آنچه اضافه شود بر آن، استحاضه است و این را ابن‌القاص در مفتاح قبول کرده و مزنی هم آن را اختیار کرده است. وجه سوم: اینکه شصت روز نفاس است و کسی که بعد از آن حیض شود، بلافاصله بعد از آن برای اینکه این دو، دو قول متفاوت هستند، جایز است که یکی از آن دو را به دیگری وصل کند (همان). اما مذهب حنابله معتقد است: اگر خون از چهل روز گذشت و مصادف شد با عادت حیض خانم و از زمان عادتش رد نشد، پس مجاوز یعنی آن مقدار که از چهل روز زیادت‌تر شده، حیض است؛ زیرا آن در عادتش است و شبیه‌تر است به حیض. اگر هم به نفاس متصل نباشد یا خون از عادت زیادت‌تر شد و سه ماه تکرار شد و از زیادت‌ترین زمان حیض (ده روز) تجاوز نکرد، پس آن حیض است؛ زیرا خون تکرار شده شایسته است که حیض محسوب شود و این نظر اشبه است؛ اگرچه قبل از آن، نفاس هم نباشد و گرنه اگر زیاد شد و تکرار نشد، یا از زیادت‌ترین زمان حیض تجاوز کرده و تکرار شد یا بنا به زمان عادت حیض مصادف نشد، پس آن استحاضه است اگرچه تکرار نشود؛ زیرا نه صلاحیت حیض را دارد و نه نفاس را، پس اگر تکرار شد و صلاحیت حیض را داشت، پس حیض محسوب می‌شود و نزد آنها داخل در استحاضه نیست در مدت نفاس، همان طور که داخل در مدت حیض نمی‌شود؛ زیرا حکم اقوی است (مجموعه من المؤلفین، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۰).

### ۳-۶. واجب شدن غسل هنگام قطع خون نفاس

اهل سنت معتقدند که غسل بر زن، بعد از قطع شدن خون نفاس واجب است و دلیل وجوب غسل، اجماع اهل سنت است؛ زیرا هیچ نصی از قرآن یا روایات، وجوب آن را رد نکرده است (دسوقی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۵).

### نتیجه گیری

بین مذاهب خمس، در موضوع خون نفاس، اختلاف نظرهایی وجود دارد و ظاهراً وجه مشترکی بین آنها وجود ندارد. امامیه به اولین جزء از طفل در وقت وضع حمل یا بعد از آن را خون نفاس می داند، اما بعضی از مذاهب اهل سنت، نفاس را خون خارج شده پس از ولادت فرزند می دانند. امامیه در خصوص حداقل نفاس معتقدند خون نفاس، حداقلی ندارد؛ بلکه ممکن است حتی یک لحظه در بین ده روز خون ببیند و همان نفاس است. نظر جمهور اهل سنت این است که هیچ حدی برای کمترین زمان نفاس نیست و در هر وقتی که طهارت دید، غسل کند و نماز بخواند و بر این قضیه اجماع دارند.

اما در حداکثر نفاس، طبق دیدگاه امامیه ده روز، حنابله و حنفیه چهل روز و شافعی و مالکیه شصت روز را قبول دارند و تمام مذاهب به جز مذهب مالکیه، خونی که زن قبل از ولادت فرزند می بیند، نفاس نیست. همچنین اگر زن زایمان کرد و خونی ندید، امامیه و حنابله معتقدند در این حال غسل واجب نیست. جمهور اهل سنت معتقدند که زن نفاس زمانی که خونش قبل از چهل روز به طور تمام و کمال قطع شود پاک است و غسل کند و نماز بخواند. مالکی و شافعی گفتند که بالاترین مدت خون نفاس، شصت روز است؛ پس زمانی که خون قبل از تمام شدن شصت روز به طور کامل و تمام قطع شود، بدون برگشت خون، زن پاک است و غسل کند و نماز بخواند.

## فهرست منابع

۱. ابن بابویه القمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن الحسین، (بی تا)، المقنع، قم: موسسه امام هادی علیه السلام.
۲. اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا)، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: منشورات جماعه المدرسين فی الحوزه العلمیه.
۳. النووی، أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف (بی تا)، المجموع شرح المذهب، قم: دار الفکر.
۴. البهوتی حنبلی، منصور بن یونس (بی تا)، کشف القناع عن متن الإقناع، قم: دار الکتب العلمیه.
۵. توضیح المسائل مراجع (۱۴۲۴ق) امام خمینی، توضیح المسائل (محشّی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۳ش)، وسائل الشیعه، تصحیح: عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران: مطبعه الاسلامیه.
۷. حکیم، سید محسن (۱۴۲۱ق)، مستمسک العروة الوثقی، قم: دار احیاء تراث العربی.
۸. خرشی، محمد بن عبدالله (بی تا)، شرح الخرشی، بیروت: دار الفکر للطباعة.
۹. خویی، سید ابوالقاسم (بی تا)، موسوعة الامام الخوی، قم: مؤسسة الخویی الإسلامية.
۱۰. الدارقطنی، أبو الحسن علی بن عمر (۱۴۲۴ق)، سنن الدارقطنی، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۱۱. دسوقی، محمد بن احمد (بی تا)، الشرح الكبير للشيخ الدردير وحاشية الدسوقي، قم: دار الفکر.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق - بیروت: دار القلم - الدار الشامیه.
۱۳. سیستانی، سید علی (۱۳۹۶ش)، توضیح المسائل جامع، مشهد: دفتر حضرت آیت الله العظمی سیستانی.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، الخلاف، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۱۵. \_\_\_\_\_ (بی تا)، استبصار، بی جا.
۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۴ش)، تهذیب الاحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیه.



۱۷. عابدینی، احمد (۱۳۸۶)، «پژوهشی در تعداد روزهای نفاس»، فصلنامه کاوشی نو در فقه اسلامی، دوره ۱۴، ش ۵۴.
۱۸. عبدالمنعم، محمود عبدالرحمان (بی تا)، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية: قاهره: دار الفضيله.
۱۹. سيد مرتضى علم الهدى (۱۴۱۵ق)، الانتصار، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
۲۰. فيض كاشانى، ملا محسن، (۱۴۲۹ق)، رسائل، تهران: مدرسه عالي شهيد مطهرى.
۲۱. الكاسانى، علاء الدين (۱۴۰۶ق)، بدائع الصنائع، قم: دار الكتب العلمية.
۲۲. مجموعة من المؤلفين (بی تا)، الموسوعة الفقهية الكويتية، كويت: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية.
۲۳. مشكینی اردبیلی، علی (۱۳۷۷ش)، مصطلحات الفقه، قم: الهادى.
۲۴. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.
۲۵. مكارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۳ق)، تعليقات على عروه الوثقى، قم: مدرسه امام اميرالمؤمنين عليه السلام.
۲۶. المقدسى، ابن قدامة (۱۳۸۸ق)، المغنى، قاهره: مكتبة القاهرة.
۲۷. نجفى جواهرى، محمد حسن (۱۳۶۲ش)، جواهر الكلام، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
۲۸. النووى، ابوزكريا (۱۴۱۲ق)، روضة الطالبين، بيروت: المكتب الإسلامى.
۲۹. هاشمى شاهرودى، سيد محمود (۱۳۷۸ش)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت عليه السلام، قم: موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامى.
۳۰. يزدى، سيد محمد كاظم (۱۴۱۷ق)، العروة الوثقى مع التعليقات، قم: موسسه النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين.
۳۱. گنجى، مهدى، درس خارج فقه، ۱۳۹۴/۸/۱۸؛ وبگاه <https://fa.mfeb.ir>.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی